

بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج

حسین یحیی‌زاده^۱

مهدی رحیمی^۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲۵

تاریخ وصول: ۸۹/۳/۱۶

چکیده

هدف این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج می‌باشد. تقسیم بندی‌های اجتماعی مربوط به چشم‌اندازهای نظری انحرافات اجتماعی از قبیل نظریات ساختار خانواده، اختلاف خانوادگی و رشد شخصیت، هم‌نشینی افتراقی، نظریه آنومی دورکیم، حمایت‌های گروهی، نظریه برچسب، نظریه مبادله و نظریه ناکامی منزلت مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت از چارچوب نظری تلفیقی این نظریات مدل نظری تحقیق استفاده شد. به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن از روش تحقیق علی-مقایسه‌ای استفاده شده است و جامعه آماری این تحقیق نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت و دانش‌آموزان چهار مدرسه در مقاطع راهنمایی و دبیرستان شهر سنندج بوده است، حجم نمونه برای هر یک از جامعه ۴۰ نفر می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده نتایج حاکی است: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، حمایت‌های گروهی، ساختار خانواده و برچسب منفی با سرقت در بین دو گروه نوجوانان بزهکار (سارق) و نوجوانان عادی (غیرسارق) تفاوت معناداری وجود دارد اما بین تأثیر همسالان و دوستان ناباب بر سرقت در دو گروه نوجوانان بزهکار (سارق) و نوجوانان غیربزهکار (غیرسارق) تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سرقت، نوجوانان، بزهکاری، کانون اصلاح و تربیت، خانواده، سنندج.

۱- عضو هیئت علمی رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی



مقدمه

هیچ کس از مادر مجرم متولد نمی‌شود، خداوند همه بندگان خود را پاک و بی‌آلایش می‌آفریند. انسان در دوران اولیه زندگی خود معصوم است و اگر به گناهی آلوده شود از محیط خانوادگی، اجتماع، محیط پرورشی و ... است. ریشه‌ها، علل و عوامل ناهنجاریها باید مورد مطالعه قرار گیرد و برای از بین بردن و یا کاهش این گونه بیماریهای اجتماعی که مانند بیماریهای جسمی مسری هستند، اگر از ابتدا وقوع جرم به فکر اصلاح و از بین بردن علل ارتکاب جرم بیفتیم ممکن است به دیگران سرایت نکنند. راه درست برای پیشگیری، انجام مطالعات علمی برای شناخت ریشه و علل این گونه جرایم بزهکاری است. ریشه درد بیشتر در جامعه است نه فرد، باید به فکر بود و راهی پیدا کرد که از ارتکاب روز افزون جرایم جلوگیری کرد. مجازات و شکنجه جلوی ارتکاب جرایم را نگرفته‌اند و دیده شده کسی که مرتکب خلافی شده و به زندان سپرده رفته، اگر بار دوم به زندان بیفتد مدت زندانی بودنش طولانی‌تر شده، چون جرمش سنگین‌تر بوده و برای بار سوم و چهارم با ارتکاب جرایم سنگین‌تری، مدت بیشتری را نیز در زندان سپری خواهد کرد. پس می‌توان گفت زندان ممکن است برای برخی مردم آموزشگاه مناسبی برای فراگیری جرایم بوده چون در کنار مجرمان با سابقه زندگی می‌کنند. البته نباید جنبه‌های آموزشی زندانها را هم فراموش کرد چون افرادی بوده‌اند که حرفه‌ای نمی‌دانستند و به زندان آمده‌اند و پس از کسب تخصص دو باره به جامعه بازگشته و زندگی عادی را برای خود پذیرفته‌اند.

نامتعادل بودن شرایط اقتصادی و اجتماعی عامل دیگری برای ارتکاب جرم و جنایت است، در جامعه‌ای که ارزش انسانها به میزان ثروت و دارایی آنهاست نه به میزان آگاهی فکری هر کس برای کسب موفقیت‌های اجتماعی به هر طریق که شده حتی از راه نامشروع درصدد کسب پول بیشتر گام برمی‌دارد و حتی به خاطر بدست آوردن پول بیشتر به ارزشهای معنوی انسان و سایر امور اخلاقی پشت پا می‌زند. برای جلوگیری از تکرار جرم باید زمینه‌های لازم را برای بازگشت بزهکاران به زندگی متعارف فراهم ساخت، مانند بهسازی محیط خانواده، اشتغال، سرپرستی درست نوجوانان، کم کردن فاصله طبقاتی در



جامعه که مجموعه این عوامل سبب بازسازی نوجوانان بزهکار شده و وی قادر به بازگشت به بطن جامعه شده و از سوی دیگر جامعه نیز باید زمینه را برای بازگشت آنان فراهم کند.

طرح مسئله

یکی از مسائل مهم مطرح نزد اندیشمندان بالاخص حقوقدانان و جرم شناسان موضوع بزهکاری^۱ نوجوانان^۲ و جوانان، همچنین نحوه مقابله با آن و شیوه‌های درمان انحراف و کجروی آنان در جامعه می‌باشد که در این راستا سعی شده عوامل مؤثر و علل بزه و بزهکاری نیز شناسایی شود. سرقت^۳ عبارت است از ربودن مال غیر به قصد تملک. سرقت و تکرار آن را می‌توان یک بزه دانست. شخصیت فرد در مرحله کودکی، نوجوانی و جوانی شکل می‌گیرد و اگر تکوین شخصیت به شکلی همراه با اعمال مجرمانه باشد، دیری نخواهد گذشت که آنها به صورت جنایتکاران حرفه‌ای بار آمده و بلائی برای خود و مردم خواهند شد. بزهکاری نوجوانان یکی از مشکلات عمده اجتماع می‌باشد که جامعه برای جلوگیری از ارتکاب جرم یا درمان آن باید امکانات مادی و نیروی انسانی زیادی در اختیار بگیرد و یکی از راههای کاهش آسیبهای اجتماعی تحقیقات علمی می‌باشد. در جرایم نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت، سرقت بیشترین فراوانی را دارد. به طور مثال در سالهای ۸۱، ۸۲، ۸۳ به ترتیب ۲۸/۳ و ۲۲/۵۷ و ۲۲/۹۰ درصد از کل جرایم و در سه ماهه اول سال ۸۴ نیز سرقت بیشترین فراوانی را در بین جرایم را دارد (صدارت، ۱۳۸۴: ۲۵۶).

همچنین سارقان نوجوان و جوان به طور متوسط نیمی از مددجویان کانون را تشکیل می‌دهند و نوجوانان و جوانان زیادی هستند که علی‌رغم اقدامات اصلاحی و تربیتی در کانون باز هم دست به سرقت می‌زنند که این امر نشان دهنده مشکلی اساسی و مشترک میان آنان می‌باشد. بدیهی است افرادی که در دوران نوجوانی خود بی‌بند و بار بوده و هیچگونه ضابطه کنترلی در برابر خود نداشته‌اند و افرادی که دچار محرومیت‌های شدید عاطفی بوده‌اند زودتر تحت تأثیر کسانی قرار می‌گیرند که آنها را وسیله و ابزار رسیدن به

1. Delinquency
2. Juvenile
3. Robbery



مقاصد خود می‌نمایند. ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته تلقی می‌شود و هر گونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن در توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل است. هنگامی که اعضای خانواده نقشها و وظایف خود را به طور مناسب و شایسته‌ای انجام ندهند، گسیختگی خانوادگی بوجود می‌آید. در این هنگام است که نوجوان روابط خود را به خارج از خانواده انتقال می‌دهد و روابط افراد کجرو با هم فرصتی را برای او بوجود آورده که گروهی را برای خود پدید آورده و به هر طریقی که خواست آن گروه باشد زندگی می‌کند. آرزوها، اهداف و مقاصد آنها شبیه هم و به نوعی از حمایت گروه برخوردار می‌شوند و خود را عضو آن گروه می‌دانند؛ چرا که وابستگی‌هایی از نوع فکری - اخلاقی، رابطه ای و مادی حکم‌فرما می‌شود، که فرد طبق آن ضوابط رفتار کرده و از سوی دیگر مورد حمایت آن گروه واقع می‌شود و گروه به عنوان یک منبع انگیزاننده عمل می‌کند. جداشدن از خانواده و ملحق شدن به اجتماع و گروههای اجتماعی یکی از ویژگیهای دوره نوجوانی است. نوجوان به دلیل کسب استقلال و به دست آوردن آزادی عمل در کارها و رفتار و کردار خود می‌خواهد از خانواده جدا شود و به این سبب زمینه‌های پیدا کردن دوستان ناباب شکل می‌گیرد. یکی از عوامل مهم انحراف‌های نوجوانان پیدا نمودن دوستان ناباب و فاسد است که زمینه انجام اعمال بزهکارانه را در آن تقویت می‌کند. از آنجایی که متفکرین، دانشمندان و یا افراد بزهکار و منحرف فعلی، همان نوجوان کم سن و سال دیروز بوده‌اند، لذا برای تربیت هر یک از این گونه افراد و اشخاص مذکور باید ریشه تربیتی آنها را مدنظر داشته و تمام هم و غم خود را متوجه بارور ساختن استعدادها و ذهنیات مثبت آنان در سنین پایین‌تر به خصوص نوجوانی بنماییم. هنگامی یک عمل انحراف و یا بزهکاری قلمداد می‌شود، که دیگران چنین پندارند و به چگونگی تفسیر آن عمل توسط دیگران بستگی دارد. در واقع انحراف از طریق فرایندی که از تعامل بین فرد منحرف بالقوه و عوامل کنترل کننده اجتماعی به وجود آمده و تقویت آن ناشی از واکنش اعضای جامعه (از قبیل والدین، دستگاه قضایی، معلمان و مقامات اداری و ...) نسبت به فردی است که



برچسب انحراف خورده است. بنابراین در این پژوهش به دنبال این هستیم که چه علل و عواملی در پیدایش و علل جرم سرقت در بین نوجوانان مؤثر است؟

اهداف و ضرورت

این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر سرقت در بین نوجوانان بزهکاری است که به دلیل سرقت در کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج به سر می‌برده‌اند و از آنجا که این مقطع سنی در حیات انسان از اهمیت خاصی برخوردار است و نوجوانان تحت تأثیر علل و عوامل زیادی قرار دارند، لذا بررسی دلایل و عوامل مؤثر بر بزهکاری و سرقت (هدف تبیینی) و ارائه راهکارهای مناسب برای شناسایی و رسیدن به یک‌سری یافته‌ها و درک این مطلب که مجموعه علل و عوامل به وجود آورنده جرم سرقت چیست؟ و چگونه می‌توان با ارائه راهکارهایی این جرم را به حداقل رسانید. همچنین ارائه راه‌حل‌ها و راهکارهای متکی بر پژوهش در سطوح خرد و کلان به مسئولان امر و دست‌اندرکاران برای کاهش و تعدیل و حتی از بین بردن جرایمی نظیر سرقت که در بین نوجوانان بزهکار شایع است.

از آنجا که پدیده سرقت در میان نوجوان یکی از مشکلات روز افزون جامعه است، لذا بررسی علل و عوامل بزهکاری نوجوانان از جمله سرقت می‌تواند راهکار مناسبی جهت شناسایی ریشه‌ها و خشکانیدن این ریشه‌ها باشد. همچنین آگاهی نسبت به عوامل مؤثر بر سرقت و اینکه چگونه می‌توان این معضل اجتماعی را کاهش داد و از تبدیل شدن این نوجوان به سارقان حرفه‌ای جلوگیری کرد، بر اهمیت موضوع می‌افزاید. اگر نتایج حاصله از این گونه تحقیقات در اختیار مسئولان امر و دست‌اندرکاران کانون اصلاح و تربیت قرار گیرد، می‌تواند کمکی در راه اصلاح و بازسازی و نهایتاً قادر سازی مددجویان بزهکار باشد و در درک و شناخت مجموعه علل و عوامل مؤثر بر سرقت حائز اهمیت می‌باشد. همچنین ضرورت این موضوع بر کسی پوشیده نیست که با ارائه پیشنهادها قابل اجرا و در نظر گرفتن تمام جوانب و امکانات می‌توان تا حدی سرقت در بین نوجوانان را کاهش داد.



مبانی نظری

«ویلیام گود» با استعانت از نظریه آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم ترین آژانس اجتماعی کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می کند و هر گونه نابسامانی و بی سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود به طور مناسب و شایسته ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به وجود می آید. گسیختگی خانوادگی می تواند معلول عواملی چند باشد:

الف) فقدان پدر که در اثر مرگ و میر، طلاق یا اشتغال بیش از حد پیش می آید.

ب) فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق که در این شرایط اجرای نقش های مادرانه دچار اختلال می گردد.

ج) وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر اما از کارکردهای کنشی متقابل ضعیفی برخوردار بوده و نسبت به همدیگر از هم حسی و همدلی برخوردار نیستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۹).

اگر خانواده و ساختار آن به عنوان یک آژانس جامعه پذیری شرایط آنومی را پیدا کند شخصیت نوجوان به عنوان عضو چنین خانواده ای کجرو، منحرف و بزهکار می شود. «لنسوف» و «وستلی» معتقدند که مسئله اساسی در کجروی افراد این است که روابط افراد کجرو این امکان را به آنان می دهد که گروهی را برای خود پدید آورده و در طریقی که دلخواه اعضای گروه است زندگی کنند. افراد این گروه دارای نیازها و تمایلات مشترکی هستند که هم با تمایلات و نیازهای راست رفتارگران مغایر است و هم جامعه آنها را ننگین و مذموم دانسته و مستوجب کیفر می داند (اشرف، ۱۳۵۴: ۸۰). این نیازها و تمایلات مشترک موجب می شوند که افراد این گروهها به طرق مختلف همدیگر را حمایت کرده و دست به انواع کژرفتاری ها از جمله سرقت بزنند.



مطابق دیدگاه کوهن، گسترش خرده فرهنگ بزهکار نتیجه شرایط اجتماعی و خانوادگی است که در محله‌های فقیرنشین و آلوده وجود دارد و کودکانی که در این مناطق بزرگ می‌شوند، این شرایط را تجربه می‌کنند. بزهکاری محصول دون پایگی ذاتی طبقاتی نیست بلکه بیشتر نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی است که اعضای گروه مفلوک در جامعه ایالت متحده آنها را متحمل می‌شوند. فشار مهلک فقر مقصر اصلی در ایجاد پیشه‌های بزهکاری است. کوهن با تفصیل استدلال می‌کند که خانواده‌های طبقه پایین نمی‌توانند شیوه‌های مناسب جامعه‌پذیری را برای ورود فرزندان‌شان به فرهنگ مسلط طبقه متوسط بکار ببرند. خانواده‌های طبقه پایین که برای همیشه از شیوه‌های طبقه متوسط فاصله گرفته‌اند، فرزندان‌ی تربیت می‌کنند که مهارت‌های اساسی ضروری برای کسب موفقیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه پرتوقع ما را ندارند. معلولیت‌های مربوط به رشد که شیوه‌های تربیتی طبقه پایین آنها را ایجاد می‌کنند. مواردی از قبیل عدم تربیت تحصیلی، مهارت‌های ارتباطی و گفتاری ضعیف و ناتوانی در کنترل غرائض را در بر می‌گیرد (سیگنل و سنا، ۱۹۹۳: ۲۸).

کوهن معتقد است که در بسیاری از موارد مسئله دزدی و ارتکاب جرایم گوناگون به دلیل یک هدف سودمند گرایانه انجام نمی‌گیرد، در بسیاری از موارد خرده فرهنگ کجرو از نفس این امر لذت می‌برد. به همین دلیل صدمه زدن به اموال دیگران نوعی تفریح به حساب می‌آید (کوهن به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

ساترلند در سطح کنش متقابل اجتماعی مدعی است که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قانون تبعیت کنند، می‌آموزند که مجرم شوند بنابراین ساترلند نتیجه گرفته است که کج رفتاری را می‌توان به بهترین وجهی از راه اصول یادگیری اجتماعی توضیح داد تا از طریق اصول روان‌شناسی نابهنجار (صدیق، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در مطالعه انحراف، مسئله اجتماعی از منظر ساترلند ناشی از امکان هم‌نشینی با دوستان و وضعیت‌های ناباب تلقی می‌شود. ساترلند در سطح خرد از نظریه انحراف رفتاری تأکید کرد چون (هنگامی فرد مجرم می‌شود که با الگوهای رفتاری مجرمانه تماس یافته و از رفتار ضد‌مجرمانه مبرا گردد (ساترلند، ۱۹۸۲: ۷۶).



از دیدگاه برجسب زنی انحراف کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب شود بلکه نتیجه‌ای از کاربرد قانون و مجوزهایی است که مردم به آن چنین برجسبی می‌زنند.

بکر عقیده دارد که به یک معنی چیزی به عنوان رفتار انحرافی وجود ندارد. فقط هنگامی یک عمل انحرافی می‌شود که دیگران آن را چنین پندارند و این گونه توصیف کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). شخصی که خود را حسب یک برجسب می‌نگرد متناسب با همین برجسب رفتار می‌کند. او خودش را منحرف تشخیص می‌دهد و می‌بیند که دیگران نیز با همین عنوان با او برخورد می‌کنند. ممکن است از جامعه متعارف دوری گزینند و به کسانی بپیوندند که برجسبی همانند برجسب او دارند. در اینجا برجسب منحرف تکلیف آینده یک فرد را مشخص می‌سازد. مردم وابسته به طبقات بالاتر در مقایسه با کسانی که به طبقات پایین‌تر تعلق دارند برجسب انحراف خودشان کمتر است (صدیق، ۱۳۷۰: ۹۸). این دیدگاه به لحاظ بینشی اظهار نمود مسئله اجتماعی در چشم مردم جای دارد، یعنی (این گروه‌های اجتماعی‌اند که انحراف را به وجود می‌آورند؛ زیرا آنان قوانین و مقرراتی وضع می‌کنند که نقضشان بیانگر انحراف است) (بکر، ۱۹۶۳: ۹).

کلوآرد و اوهلین معتقدند که بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده فرهنگ بزهکار نمایان می‌شود و همان‌طور که در خرده فرهنگ بهنجار فرصت‌های مشروع وجود دارد در خرده فرهنگ بزهکار نیز فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف‌های فرهنگی دیده می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۷).

آنان معتقدند که خرده فرهنگ بزهکار فرصت‌هایی را برای آموختن و عمل کردن به نقش‌های بزهکارانه برای افراد فراهم می‌سازد. چنین فرهنگی الگوهای موفقیت‌آمیز بزهکاری را فرا روی افراد می‌گذارد و فرصت‌های مناسبی برای آنان فراهم می‌کند تا این الگوها را استفاده کنند. و به این طریق نشان می‌دهد که بزهکاری امری عملی و همراه با پاداش است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۸).

از نظر آنان انواع فرصت‌های نامشروع و توزیع آنها محتوای خرده فرهنگ بزهکار را تعیین می‌کند. این خرده فرهنگ خود را در سه شکل مختلف نشان می‌دهد: ۱- خرده فرهنگ جنایتکار، ۲- خرده فرهنگ ستیزه جو و ۳- خرده فرهنگ گوشه‌گیر و انزوا طلب.



خرده فرهنگ جنایتکار بر نظم و کردار خردورزانه تأکید می‌کند و عمدتاً به دنبال هدف‌های مشخص اقتصادی است. این خرده فرهنگ در مناطقی پدید می‌آید که در آنها الگوی تثبیت شده‌ای از جنایات سازمان یافته وجود داشته باشد. در چنین مناطقی موقعیت‌هایی برای نوجوانان فراهم می‌شود تا اعمال تبهکاری را فراگیرند. در این محیط‌ها مهارت‌های جنایی، ارزش‌های انحرافی و (الگوهای نقش جنایی) عرضه می‌شود. افرادی که به گونه‌ای موفقیت آمیز برحسب این ارزش‌های انحرافی عمل می‌کنند، فرصت خواهند داشت تا در سلسله مراتب جنایی حرفه‌ای ارتقای یابند. آنها به ساختار فرصت غیرقانونی - غیرمشروع دسترسی دارند. این خرده فرهنگ به دنبال سودجویی و پاداش‌های مالی است (امانت، ۱۳۷۳: ۱۰۸).

فرضیه‌های تحقیق

۱- به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ همنشینی با همسالان و دوستان ناباب وجود دارد؛ ۲- به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده وجود دارد؛ ۳- به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ میزان حمایت‌های گروهی وجود دارد؛ ۴- به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ میزان آنومیک بودن ساختار خانواده وجود دارد؛ ۵- به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیر سارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ سابقه دریافت برچسب منفی وجود دارد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن از روش تحقیق علی - مقایسه‌ای استفاده شده است که هدف از روش علی - مقایسه‌ای، یافتن علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری است؛ به این منظور، آزمودنی‌هایی که دارای رفتار مورد مطالعه هستند با آزمودنی‌هایی که این رفتار در آنها مشاهده نمی‌شوند، مقایسه می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۴: ۳۹۳). جامعه آماری



پژوهش حاضر، به علت مقایسه‌ای بودن روش تحقیق از دو جامعه تشکیل شده است: کلیه نوجوانان بزهکار (سارق) (۱۸-۱۳ ساله) کانون اصلاح و تربیت شهر سنجید می باشد که با حکم قطعی قضایی در این کانون هستند و مرتکب سرقت شده‌اند انتخاب و نوجوانان مدارس مقاطع راهنمایی و دبیرستان که در این فاصله سنی قرار دارند و تاکنون مرتکب سرقت نشده‌اند به عنوان گروه مقایسه انتخاب و از بین تمام مدارس به صورت تصادفی مدارس راهنمایی بابا مردوخ و مدرسه راهنمایی قدس و مدارس دبیرستان شامل دبیرستان شلتوت و ابن سینا را انتخاب کردیم.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه پژوهش

در این پژوهش از آنجا که با دو جمعیت آماری مواجه هستیم، بنابراین با دو حجم نمونه نیز مواجه خواهیم بود. در مورد نوجوانان بزهکار به دلیل محدود و متمرکز بودن جمعیت آماری مذکور، از روش تمام شماری استفاده شده و حجم آن نیز برابر با حجم کل جمعیت آماری سارقان یعنی ۴۰ نفر می‌باشد.

به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن پژوهش حاضر، جهت مهیا نمودن شرایط مقایسه بهتر و عملی‌تر، اقدام به همگن سازی دو نمونه کرده‌ایم، بنابراین نمونه گروه غیرسارق به لحاظ چند ویژگی با نمونه گروه سارق همانند و همگن شده‌اند؛ یکی جنس و دیگری سن. به این معنا که همه افراد گروه مقایسه (نوجوانان عادی) همانند گروه سارق پسر بوده و از آنجا که طیف سنی گروه بزهکار بین ۱۸-۱۳ سال است، نمونه نوجوانان عادی نیز از همین طیف سنی انتخاب گردیده است و حجم نمونه آن نیز جهت مقایسه علمی تر برابر با حجم گروه نمونه نوجوانان بزهکار (سارق) ۴۰ نفر تعیین شده است. این تعداد با توجه به شرایط مذکور به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار و نحوه جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش

جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده. اعتبار و روایی، برای رفع نقایص و ابهامات پرسشنامه، از روش پیش‌آزمون^۱ استفاده شده است. در این پیش‌آزمون

1. Pretest

۲۰ نفر از افراد نمونه (۱۰ نفر نوجوانان بزهکار و ۱۰ نفر نوجوانان عادی) به سؤالات پاسخ دادند.

تحلیل روایی گویه‌های موجود براساس پایداری درونی و با استفاده از تحلیل روایی «آلفای گرونباخ» صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

بررسی فرضیه شماره ۱

به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ هم‌نشینی با همسالان و دوستان ناباب وجود دارد.

جدول ۱. مربوط به مقایسه میانگین تأثیر همسالان و دوستان ناباب در بین نوجوانان عادی

(غیرسارق) و بزهکار (سارق)

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۴۶۹	۲/۹۶۷	۱۴/۷۵	۴۰	نوجوانان عادی	همسالان و دوستان
۰/۵۱۳	۳/۲۴۸	۱۵/۶۰	۴۰	نوجوانان بزهکار	ناباب

آزمون t مستقل			آزمون لون				
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F		
-/۸۵۰۰	۰/۲۲۵	۷۸	-۱/۲۲۲	۰/۳۸۹	۰/۷۵۰	واریانس برابر	همسالان و دوستان
-/۸۵۰۰	۰/۲۲۶	۷۷/۳۷۱	-۱/۲۲۲			واریانس نابرابر	ناباب

الف: در جدول بالا نتایج آزمون آماری T مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه از پاسخگویان آورده شده است. گروه اول نوجوانان عادی (غیرسارق) و گروه دوم نوجوانان بزهکار (سارق) هستند. چون بر طبق آزمون T، T- test بدست آمده (۱/۲۲۲-) است با درجه آزادی ۷۸ میزان معناداری ۰/۲۲۵ می باشد و چون این مقدار از ۵ درصد (مقدار T جدول) بیشتر می باشد، می توان نتیجه گرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) از نظر تأثیر همسالان و دوستان ناباب تفاوت معناداری وجود ندارد.

ب: چون F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین ها (۰/۷۵۰) می باشد و معناداری آن در سطح خطای بیش از ۵ درصد است (۰/۳۸۹) بنابراین می توان پذیرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) در فرضیه همسالان و دوستان ناباب با سرعت تفاوت معناداری وجود ندارد.

بررسی فرضیه شماره ۲

به نظر می رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده وجود دارد.

جدول ۲. مقایسه میانگین پایگاه اقتصادی - اجتماعی نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار

(سارق)

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۶۴۹	۴/۱۰۸	۱۳/۲۰	۴۰	نوجوانان عادی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۴۹۲	۳/۱۱۷	۸/۸۵۰	۴۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لون				
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	وارینانس برابر	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۴/۳۵۰	۰/۰۰۰	۷۸	۵/۳۳۴	۰/۰۰۴	۸/۸۵۰	وارینانس برابر	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۴/۳۵۰	۰/۰۰۰	۷۲/۷۲۹	۵/۳۳۴			وارینانس نابرابر	



برطبق آزمون T، T-test بدست آمده (۵/۳۳۴) است با درجه آزادی ۷۸ و میزان معناداری ۰/۰۰۰ بوده که چون این مقدار از ۵ درصد مقدار، T جدول کمتر می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

ب: چون F محاسبه شده آزمون معنی داری برای تفاوت بین میانگین‌ها ۸/۸۵۰ است و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۴)، بنابراین می‌توان پذیرفت بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) در فرضیه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با سرقت تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسی فرضیه شماره ۳

به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ میزان حمایت‌های گروهی وجود دارد.

جدول ۳. مقایسه میانگین حمایت‌های گروهی نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق)

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۱/۳۶۸	۸/۶۵۴	۴۸/۳۷	۴۰	نوجوانان عادی	حمایت‌های گروهی
۰/۸۴۱	۵/۳۲۵	۴۴/۰۵	۴۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لون			
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	
۴/۳۲۵	۰/۰۰۹	۷۸	۲/۶۹۲	۰/۰۰۰	۱۵/۵۷۲	وارینانس برابر
۴/۳۲۵	۰/۰۰۹	۲۴/۸۲۶	۲/۶۹۲			وارینانس نابرابر

برطبق آزمون T، T-test بدست آمده (۲/۶۹۲) است با درجه آزادی ۷۸ و میزان معناداری ۰/۰۰۹ می‌باشد که چون این مقدار از ۵ درصد مقدار T جدول کمتر می‌باشد



می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو گروه از نظر تأثیر حمایت‌های گروهی بر آنها تفاوت معنی داری وجود دارد.

ب: چون F محاسبه شده آزمون معنی داری برای تفاوت بین میانگین‌ها ۱۵/۵۷۲ بوده و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰) بنابراین می‌توان پذیرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) در فرضیه حمایت‌های گروهی با سرقت تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه در ارتکاب رفتار بزهکارانه مؤثر است.

بررسی فرضیه شماره ۴

به نظر می‌رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ میزان آنومیکن بودن ساختار خانواده وجود دارد.

جدول ۴. مقایسه میانگین میزان آنومیکن بودن ساختار خانواده نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار

(سارق)

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۸۴۵	۵/۳۴۸	۱۴/۲۵۰	۴۰	نوجوانان عادی	ساختار خانواده
۰/۹۶۸	۶/۱۲۵	۱۷/۶۲۵	۴۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لون			
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	
-۳/۳۷۵	۰/۰۱۰	۷۸	-۲/۶۲۵	۰/۶۸۸	۰/۱۶۲	واریانس برابر
-۳/۳۷۵	۰/۰۱۰	۷۶.۶۰۶	-۲/۶۲۵			واریانس نابرابر

بر طبق آزمون T، T-test بدست آمده (۲/۶۲۵-) است با درجه آزادی ۷۸ میزان معناداری ۰/۰۱۰ بوده که چون این مقدار، از ۵ درصد مقدار T جدول کمتر می‌باشد،



می توان نتیجه گرفت بین این دو گروه از نظر میزان آنومیک بودن ساختار خانواده آنها تفاوت معناداری وجود دارد.

ب: چون F محاسبه شده آزمون معنی داری برای تفاوت بین میانگین ها ۰/۱۶۲ بوده و معناداری آن در سطح خطای بیش از ۵ درصد است (۰/۶۸۸) بنابراین می توان پذیرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) در فرضیه آنومیک بودن ساختار خانواده با سرقت تفاوت معناداری وجود ندارد.

بررسی فرضیه شماره ۵

به نظر می رسد بین نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار (سارق) تفاوت معناداری از لحاظ سابقه دریافت برچسب منفی وجود دارد.

جدول ۵. مقایسه میانگین سابقه دریافت برچسب منفی نوجوانان عادی (غیرسارق) و بزهکار

(سارق)

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۶۸۰	۴/۳۰۶	۱۵/۶۲۵	۴۰	نوجوانان عادی	برچسب منفی
۰/۹۳۲	۵/۸۹۷	۲۳/۳۰	۴۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لون				
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	واریانس برابر	برچسب منفی
-۷/۶۷۵	۰/۰۰۰	۷۸	-۶/۶۴۷	۰/۰۰۷	۷/۷۸۹	واریانس برابر	
-۷/۶۷۵	۰/۰۰۰	۷۱.۳۸۷	-۶/۶۴۷			واریانس نابرابر	

برطبق آزمون T، T-test بدست آمده (-۶/۶۴۷) است با درجه آزادی ۷۸ میزان معناداری ۰/۰۰۰ بوده که چون این مقدار از ۵ درصد مقدار T جدول کمتر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین این دو گروه از نظر میزان سابقه دریافت برچسب



منفی تفاوت معناداری وجود دارد.

ب: چون F محاسبه شده آزمون معنی داری برای تفاوت بین میانگین‌ها ۷/۷۸۹ است و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۷)، بنابراین می‌توان پذیرفت که بین دو گروه نوجوانان عادی (غیرسارق) و نوجوانان بزهکار (سارق) در فرضیه سابقه دریافت برچسب منفی با سرقت تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در فرضیه اول، با توجه به مقدار آمارهای به دست آمده و T-test محاسبه شده ۱/۲۲۲- و میزان معناداری ۰/۲۲۵ و مقدار F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین‌ها ۰/۷۵۰ و معناداری آن در سطح خطای بیش از ۵ درصد است (۰/۳۸۹)، می‌توان پذیرفت که با استناد به نظریه همنشینی افتراقی ساترلند در مغایرت با آن قرار دارد. او معتقد است که بخش اعظم رفتار بزهکار در گروههایی که با فرد رابطه صمیمانه دارند انجام می‌گیرد اما نتایج حاصل از پژوهش در مورد این فرضیه نشانگر آن است که نوجوانان بزهکار با دوستان ناباب همنشینی و تأثیرپذیری از آنها نداشته‌اند اما مرتکب سرقت شده‌اند. در فرضیه دوم، با توجه به مقدار آمارهای به دست آمده و T-test محاسبه شده ۵/۳۳۴ و میزان معناداری ۰/۰۰۰ و مقدار F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین‌ها ۸/۸۵۰ و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۴)، با استناد به نظریه ناکامی منزلی آلبرت کوهن می‌توان پذیرفت که در راستای آن قرار دارد. مطابق دیدگاه کوهن، بزهکاری نتیجه شرایط اجتماعی و خانوادگی است که در محله‌های فقیر نشین و آلوده وجود دارد و بیشتر نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی است. در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار نوجوانانی که از پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند کمتر مرتکب سرقت شده‌اند و نوجوانانی که از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین‌تری برخوردار بوده‌اند بیشتر مرتکب سرقت شده‌اند و گرایش بیشتری به آن داشته‌اند. لذا اهمیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده در این مورد انکارناپذیر است.

درفرضیه سوم، با توجه به مقدار آمارهای به دست آمده T-test محاسبه شده $۲/۶۹۲$ و میزان معناداری $۰/۰۰۹$ و مقدار F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین‌ها $۱۵/۵۷۲$ و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است ($۰/۰۰۹$)، با استناد به نظریه حمایت‌های گروهی لیسوف و وستلی می‌توان پذیرفت که در راستای آن قرار دارد. آنها معتقدند که مسئله اساسی در کجروی افراد این است که روابط افراد کجرو این امکان را به آنان می‌دهد که گروهی را برای خود پدید آورده و در طریقی که دلخواه اعضای گروه است زندگی کنند. در گروه بزهکار چون نوجوانان از حمایت‌های گروهی بیشتری از جانب گروه‌های همانند خود، در مقایسه با دیگر نوجوانان برخوردار می‌شوند لذا بیشتر مرتکب اعمال بزهکارانه به ویژه سرقت می‌شوند و در گروه غیربزهکار به این علت که نوجوانان از حمایت‌های گروهی کمتری برخوردار می‌شوند کمتر نیز مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند. بنابراین نقش حمایت‌های گروهی در بروز رفتارهای بزهکارانه حائز اهمیت است. در فرضیه چهارم، با توجه به مقدار آمارهای به دست آمده t به دست آمده $۲/۶۲۵-$ و میزان معناداری $۰/۰۱۰$ و مقدار F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین‌ها $۰/۱۶۲$ و معناداری آن در سطح خطای بیش از ۵ درصد است ($۰/۶۸۸$)، با استناد به نظریه ساختار خانواده ویلیام گود می‌توان پذیرفت که در راستای آن قرار دارد. گود معتقد است که هر گونه نابسامانی و بی‌سازمانی در نهاد خانواده و ساختار آن در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل است. در گروه بزهکار به این علت که ساختار خانواده آنها آنومی بیشتری در مقایسه با گروه غیربزهکار دارد احتمال ارتکاب آنها به رفتارهای بزهکارانه از جمله سرقت بیشتر است. در فرضیه پنجم، با توجه به مقدار آمارهای به دست آمده T-test به دست آمده $۶/۶۴۷-$ و میزان معناداری $۰/۰۰۰$ و مقدار F محاسبه شده آزمون معناداری برای تفاوت بین میانگین‌ها $۷/۷۸۹$ است و معناداری آن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد است ($۰/۰۰۷$)، با استناد به نظریه برجسب هاوارد بکر می‌توان پذیرفت که در راستای آن قرار دارد. بکر عقیده دارد که به یک معنی چیزی به عنوان رفتار انحرافی وجود ندارد. فقط هنگامی یک عمل انحرافی می‌شود که دیگران آن را چنین پندارند و این‌گونه توصیف کنند. در گروه بزهکار نوجوانانی که توسط جامعه،



افراد، سازمان‌ها و خانواده‌ها برچسب خورده‌اند و آنها را منحرف می‌دانند، دریافت برچسب را با خود درونی کرده و مرتکب سرقت شده‌اند اما در گروه غیربزهکار چون برچسبی به آنها زده نشده است مرتکب عمل سرقت نیز نشده‌اند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که از لحاظ پایگاه اقتصادی-اجتماعی، حمایت‌های گروهی، ساختار خانواده و برچسب منفی بین دو گروه نوجوانان بزهکار و غیربزهکار تفاوت معناداری وجود دارد اما از لحاظ تأثیر همسالان و دوستان ناباب بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد.

پیشنهادها

آنچه از این تحقیق بر می‌آید این است که بهترین راه مبارزه با سرقت به معنای واقعی آن را باید در بهسازی فضای خانواده‌ها پیدا کرد زیرا مشخص شد نوجوانان بزهکار (سارقان) افرادی هستند که بیشترین ضربه را از عوامل خانوادگی خورده‌اند. در بیان علل و انگیزه‌های سرقت در این تحقیق زمینه‌های مختلفی چون محرومیت‌های عاطفی، روانی، مادی، نابسامانی‌های اجتماعی و خانوادگی و معاشرت با دوستان ناباب را در فصل نتیجه‌گیری برشمردیم و اکنون راههایی را برای کاهش، کنترل و تعدیل آن پیشنهاد می‌کنیم:

۱- از بین بردن فقر و محرومیت با توجه به تأثیر مهمی که اوضاع نابسامان اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها در ارتکاب به سرقت دارد.

۲- کنترل و مراقبت پدر و مادر در مورد دوستان ناباب و به طور کلی در مورد دوستان فرزند خود یک ضرورت است، زیرا عدم توجه پدر و مادر به چنین مسایلی در این تحقیق نیز توسط نوجوانان بزهکار (سارق) و نوجوانان عادی (غیرسارق) عنوان شده است.

۳- کنش و تأثیر متقابل بین فرد منحرف و عوامل گوناگون کنترل اجتماعی از قبیل والدین، دستگاه قضایی، معلمان و مقامات اداری و ... باید مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و اثرات وارده بر فردی که او را تبهکار، بزهکار، بیمار روانی و منحرف می‌نامند، می‌تواند بررسی شود و تأثیر چنین تصویر و برداشتی بر رفتار آینده آن افراد باید مورد بررسی قرار بگیرد. قوانینی که در جامعه وضع می‌شوند باید متناسب با خصوصیات فرد منحرف و



هنجارهای اجتماعی جامعه و هر عملی را که خارج از نرم جامعه است انحراف قلمداد نکنند.

۴- والدین در خانواده‌ها باید در فرد احساس مسئولیت را به وجود آورند و کارهایی را که منجر به ایجاد احساس مسئولیت در آنها می‌شود، واگذار کنند.

۵- معلمان و معاونان مدرسه نباید رفتارهای متفاوتی با دانش‌آموزان و نوجوانان بزهکار داشته باشند و به آنها برچسب منحرف بزنند.

اگر دستگاه قضایی، معلمان، والدین و جامعه عمل فرد را به عنوان یک رفتار انحرافی بیندارند و با او متفاوت از سایر نوجوانان رفتار کنند، رفتارهای منحرفانه و بزهکارانه فرد نیز استمرار پیدا می‌کند. لذا بر حذر بودن از چنین اعمال و رفتارهایی در کاهش، کنترل و تعدیل این پدیده و مبارزه با آن از اهم ملاحظات می‌باشد.

۶- انجام اقدامات پیشگیرانه توسط سازمان‌های مرتبط و مسئول با پدیده بزهکاری از جمله آموزش و پرورش و سازمان زندانها.

۷- انجام پژوهش‌های کاربردی در حوزه سرقت بزهکاران در جهت کاهش، تعدیل و کنترل آن.

منابع فارسی

- اشرف، احمد. (۱۳۵۴). *کثر رفتاری مسائل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی*، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- امانت، حمید. (۱۳۷۳). *بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما دکتر چاپی.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۳). *ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، رویکردهای نظری هفت گانه در بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: دانشگاه تهران.
- صدارت، علی. (۱۳۸۴). *حقوق و جرم شناسی*. چاپ اول ناشر کانون معرفت.



صدیق سروسنایی، رحمت‌الله. (۱۳۸۰). *آسیب شناسی اجتماعی*. انتشارات دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم*. تهران: انتشارات آن.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

Becker, H. S. (1963). *Outsiders: studies in the sociology of deviance* New York.

Sutherland E.H. (1982) *Theory of Differential Association*. In R.

Sigel Leery and Siena Josef (1993) *Juvenile Delinquency* New York.